

## جایگاه رانت اقتصادی در حقوق کیفری ایران

شاهین زمانی<sup>۱</sup>

### چکیده

در برنامه سوم توسعه، بحث آزادسازی و خصوصی سازی به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است. در بخش مخابرات نیز اقداماتی در جهت حضور فعالتر بخش خصوصی و شکست انحصار موجود در بخش صورت پذیرفته است. حضور موفق اپراتورهای غیردولتی در شرایطی میسر خواهد بود که، قوانین مناسب تنظیم شده و دستیابی به بازار بدون تبعیض و با اطلاعات شفاف مقدور باشد. لذا ایجاد سازمان تنظیم مقررات پیشبینی شده است. از جمله وظایف این سازمان تنظیم ارتباط میان اپراتورها است و در صورتی که نهادی مستقل نباشد امکان کسب رانت برای اپراتور دولتی که اپراتور مسلط نیز می باشد به وجود خواهد آمد. در بحث تنظیم مقررات، استقلال امری مهم می باشد و از وظایف دولت، جداسازی مجریان و قانونگذاران می باشد. از دلایل این موضوع پیشگیری از پیدایش رانت می باشد. اما رانت چیست؟ در این مقاله به اختصار در مورد مفهوم رانت بحث خواهد شد.

کلید واژه ها: رانت اقتصادی - حقوق اقتصادی - فساد مالی - حقوق کیفری

---

<sup>1</sup>. دانشجوی کارشناسی حقوق - پیام نور - مشگین شهر - ایران

مقدمه:

بحث "رانت اقتصادی" با بسیاری از مسائل اقتصادی، از جمله کارآفرینی در اقتصاد، ارتباطی تنگاتنگ دارد. برخی از اقتصاددانان کلید اصلی پاسخ به سئوالاتی از قبیل اینکه، چرا بعضی ملتها در بعضی از مقاطع تاریخی از جهشهایی در رشد اقتصادی خود بهره‌مند شده‌اند در حالیکه در زمانی دیگر دچار توقف و تنزل شده‌اند؟ و چرا برخی ملتها در رکود و ایستایی به سر می‌برند؟

را وجود یا عدم وجود مدیران کارآفرین (Enterpreneurs) در یک جامعه میدانند. این نظریه چنین توضیح میدهد که در هر جامعه‌ای که فعالیت کارآفرینی رونق یابد، رشد اقتصادی حاصل میشود و اگر کارآفرینی دچار رکود شود، رشد اقتصادی نیز دچار رکود میگردد.

اما چه عواملی موجب برانگیختن کارآفرینی شده و چه عواملی مایه تنزل آن میشود؟ بعضی از اقتصاددانان در پاسخ اشاره به ساختار انگیزه‌های موجود و در حال عمل در یک نظام اقتصادی اجتماعی دارند که خود به این مطلب برمیگردد که چه کسانی در نظام اقتصادی یک کشور به کار تولید ثروت (کالاها و خدمات) مشغول هستند و چه کسانی از ثمره این تولید بهره‌مند میشوند؟ اگر این دو گروه بر هم منطبق باشند، میتوان گفت که ساختار انگیزش‌های در حال عملکرد مناسب برای فعالیت تولیدی، کارآفرینی توسعه فرآیندهای جدید و فعالیت مداوم در جهت حل مسائل، فراگیری و انباشت دانش است. اما اگر این گروه از هم متمایز باشند، میتوان گفت که ساختار انگیزه‌های موجود در جامعه با مشارکت فعال در امر تولید و پیش نیازهای آن مناسب نیست. این مسئله در بررسی‌های اقتصادی تحت عنوان "جستجوی رانت" مطرح میشود.

## تعریف و اهمیت پدیده رانت

تعاریف متعددی از رانت اقتصادی ارائه میشود که همگی گویای مفهومی واحد هستند. در ذیل مواردی از تعاریف ارائه شده، بیان شده است:

(الف) رانت به معنای درآمد مازاد بر هزینه فرصت از دست رفته و یا اضافه درآمد یک عامل تولید نسبت به درآمد همان عامل تولید در شرایط رقابت کامل است.

(ب) پرداخت به یک عامل تولید که عرضه آن نسبت به اندازه پرداخت لازم برای استفاده از آن بدون کشش باشد را، رانت اقتصادی گویند.

(ج) رانت، دریافتی حاصل از فعالیتهای غیر مولد است.

(د) منظور از رانت اقتصادی، انتقال درآمد به افراد یا گروههایی که از جامعه به خاطر توان بالقوه آنها در ایجاد محدودیت در فعالیت اقتصادی دیگران است. در واقع درآمد بادآوردهای است که، از توان بالقوه عدهای از افراد جامعه در انتقال درآمد دیگران حاصل میشود.

(ه) در مفهوم عامیانه، رانت اقتصادی همان سود بادآورده است که کسب درآمد نه از طریق مشارکت عامل تولید در فعالیت تولیدی، بلکه به واسطه داشتن قدرت سلب اختیار از دیگران امکانپذیر شده است. وجود رانت در هر نظام اقتصادی اولاً به معنای تخصیص غیربهبینه منابع و ثانیاً ناعادلانه بودن نظام اقتصادی است و لذا مانع رشد و توسعه اقتصادی است.

## علل رانت

در سیر اندیشه‌های اقتصادی، بحث عامل رانت به دو دوره مستقل تفکیک میشود:

الف) از ریکاردو تا آلفرد مارشال: در این دوره علت عمده رانت، کمیابی ذاتی عوامل تولید و کشش ناپذیری عوامل است. در واقع محدودیت عرضه عامل تولید برای دارنده آن عامل یا دارنده اختیار قدرت ایجاد محدودیت، امکانی بالقوه جهت کسب درآمد ایجاد میکند (ایجاد رانت). در واقع هر عاملی که رقابت ۲ را به انحصار تبدیل کند باعث پیدایش رانت میشود. در حالت رقابت کامل هیچگونه رانتی وجود ندارد و با فاصله گرفتن از رقابت کامل رانت افزایش مییابد.

ب) از دهه ۱۹۶۰ آغاز میشود و کسانی مانند بوکانان و کروگر پیشتاز این دوره هستند. در این دوره علت رانت، مداخله دولت قلمداد میشود. به طور کلی مداخله دولت موانع مصنوعی بر سر راه ورود به بازار جهانی ایجاد میکند و با آسیب رساندن به سازوکار بازار، باعث پیدایش رانت برای برخی از افراد میشود.

در واقع داشتن قدرت انحصاری فقط یکی از ارزشهای متعدد کسب رانت اقتصادی است و در بسیاری از نظامهای اقتصادی، محدودیتهای مختلفی که از سوی دولت ایجاد میشود، زمینهساز ایجاد رانت اقتصادی است. این محدودیتها به شکل تعیین سهمیه کالا و مواد اولیه با قیمتی پائینتر از قیمت بازار برای بعضی افراد، صدور مجوزها و امتیازات خاص برای افراد، اعمال محدودیتهای قانونی مانند تعرفه وارداتی و ... و ضبط و تملک حاصل تلاش دیگران و .. است و صرفاً یک انتقال درآمد و ثروت از یک فرد و یا گروه به فرد یا گروه دیگر در جامعه نبوده و از نظر اقتصادی خنثی محسوب نمیشود. بلکه اینگونه انتقال درآمد و ثروت دارای هزینه اقتصادی و

اجتماعی است. این هزینه عبارت است از، هزینه منابعی که توسط جستجوگران رانت جهت به دست آوردن آن صرف میشود (صرف وقت و توان افراد و سایر هزینههایی که در این راه صرف میشود). برای مثال برای گرفتن سهمیه واردات، شرکتهای وارداتی ایجاد میشود و خویشان یا خود افراد ذی نفوذ در صدور مجوزها در شرکتهای استخدام میشوند، پرداخت رشوه و ... همگی هزینههای اجتماعی چنین اقداماتی است که هر چه رقابت افراد در راه کسب امتیازات بیشتر باشد، این هزینهها افزایش مییابد.

اما مسئله "شفافیت اطلاعات" که تاکنون کمتر در مورد آن بحث شده است و تنها برخی اقتصاددانان مانند "کنت آرو و داگلاس نورث" در این مورد تحلیلهایی ارائه کردهاند. بحث شفافیت اطلاعات را با کمی تلاش میتوان "تقارن اطلاعات" تعریف کرد تقارن اطلاعات بدین معناست که؛ طرفین مبادله کننده به یک اندازه از کیفیت کالای مورد مبادله در بازار اطلاع داشته باشند. به عبارت دیگر توزیع ناهمسان اطلاعات بین طرفین، عدم تقارن اطلاعات است.

این عدم تقارن دو حیطة گسترده و تقریبا مستقل دارد:

### (۱) مبادلات اقتصادی

### (۲) تصمیمگیریهای اجرایی

(۱) عدم تقارن اطلاعات در مبادلات اقتصادی: با حرکت از جامعه سنتی به سمت جامعه مدرن میزان عدم تقارن اطلاعات افزایش مییابد، چرا که با تقسیم کار بیشتر و تخصصیتر شدن کارها، هر فرد، تنها در موارد معدودی از فعالیتهای اطلاع دارد. برای مثال یک بیمار که به دندانپزشک مراجعه میکند از علل درد دندان بیاطلاع است و دندانپزشک میتواند علل مختلف و راههای درمان متفاوت تجویز کند و اگر دنبال حداکثر سود خود باشد میتواند



قیمتی بیش از هزینه متوسط مطالبه کند و برای خود رانتهی ایجاد کند. این عدم تقارن اطلاعات در بسیاری از موارد مبادله کالا یا خدمات میتواند باعث ایجاد رانت برای ارائه کننده کالا یا خدمات باشد.

۲) عدم تقارن اطلاعات در تصمیمگیریهایی اجرایی: با توجه به اینکه تصمیمات اجرایی، پیامدهای اقتصادی به دنبال دارد، لذا دسترسی و اطلاع سریعتر از آن تصمیمات، دارای ارزش اقتصادی خواهد بود. برای مثال: اگر دولت تصمیم بگیرد که ورود کالایی را ممنوع کند کسانی که سریعتر از این تصمیم مطلع شوند میتوانند، کالا را خریداری کرده و انبار کنند و پس از افزایش قیمت به فروش رسانند و... به عبارت دیگر کارگزاران سیاسی و اجرایی به دلیل دسترسی سریعتر به تصمیمات اجرایی از اطلاعاتی برخوردارند که عموم مردم و کارگزاران اقتصادی فاقد آن میباشند. و همین امر به منزله رانتهی برای کارگزاران سیاسی است. نکته مهم این است که، در اینجا مسئله به عدم تقارن اطلاعات منحصر نمیشود بلکه رانت ناشی از اطلاعات به وضع قانون و مداخله مستقیم مؤثر هستند. اصولاً هر قدر مداخله دولت در فعالیتهای اقتصادی بیشتر باشد و یا قوانین اجرایی از ثباتی و روزمرگی بیشتری برخوردار باشند، رانت کارگزاران بیشتر خواهد بود. اما نباید پنداشت که "دولت حداقل" یا "عدم مداخله" دولت باعث میشود که کلیه رانتهای کارگزاران سیاسی حذف شود. در مجموع هر چه قدرت دولت در ایجاد رانت و توزیع آن بیشتر باشد، توسعه اقتصادی جامعه مشکلتر و تحقق عدالت اقتصادی بعیدتر خواهد بود. توسعه اقتصادی مستلزم گسترش فعالیتهای مولد است و اگر دولتمردان و حاکمان سیاسی بتوانند برای برخی از افراد رانت ایجاد کنند، افراد به جای پرداختن به فعالیتهای مولد اقتصادی به تصاحب رانت خواهند پرداخت.

راههای پیشگیری از پیدایش و جلوگیری از رانت جویی

(۱) پیشگیری از رانت حاصل از عدم تقارن اطلاعات: در این زمینه گروهی "تزریق اطلاعات" به جامعه را پیشنهاد میکنند. مسلماً هر قدر اطلاعات افراد بیشتر باشد، امکان رانتجویی کاهش خواهد یافت. اما، اولاً هر چند که عصر کنونی "عصر انفجار اطلاعات" نامیده میشود اما این افزایش اطلاعات بیشتر در خدمت افزایش تخصص و تقسیم کار است که خود، عامل پیدایش عدم تقارن اطلاعاتی معرفی میشود. ثانیاً؛ کسب اطلاعات یا تزریق آن هزینههای مبادله را افزایش میدهد به نحوی که گاهی اوقات هزینه کسب آن به اندازه‌ای است که مبادله کننده از کسب آن منصرف میشود. برای مثال، همان بیمار را در نظر بگیرید او برای اطمینان از صحت تشخیص دندانپزشک باید به چند دکتر دیگر مراجعه کند که هزینههای برای او خواهد داشت ضمن اینکه تضمینی وجود ندارد که آنان نیز رانتجویی نکنند.

راهحل پیشنهادی دیگر، توجه به "اخلاق و ایدئولوژی" است که شرط لازم برای مقابله و کنترل این نوع رانتجویی است. اگر تنها انگیزه حاکم بر انسانها نفع شخصی باشد افراد (عامه مردم و کارگزاران سیاسی) از جهل طرف مقابل و یا اطلاعات و قدرت خویش سوءاستفاده میکنند. اما در صورت وجود نیروهایی که باعث شود آنان از سود خود بگذرند، (و در مورد کارگزاران سیاسی، مصالح عمومی را مدنظر قرار دهند) رانت پدیدار نخواهد شد. در واقع اخلاقیات شرط ضروری برای عدم سوءاستفاده است.

(۲) پیشگیری از جستجوگری رانت: اصولاً تخصیص استعدادهای یک جامعه، عمیقاً تحت تاثیر پادشاهی نسبی قرار دارد که جامعه به فعالیتهای مولد مثل نوآوری در مقایسه با پادشاهی که به فعالیتهای غیر مولد مانند جستجو کردن رانت و یا بزهکاری سازمان یافته ارائه مینماید.

بنابراین نقش سیاستگذاری دولت در امر ایجاد فرصتهای کسب رانت و یا از بین بردن این فرصتها و در مقابل ایجاد شرایطی که محیط اجتماعی مناسب فعالیتهای مولد شود، حائز اهمیت است.

در این مقوله پیشنهاداتی به عنوان نمونههای از اقدامات ممکن، ارائه شده است که در اینجا به آنها اشاره میکنیم:

الف) حذف زمینیهایی که به واسطه آنها تخصیص کالاها و امکانات از طریق تصمیمات اداری و فردی (مانند تصمیم اداره- فرد- مسئول ارگان و ...) انجام میشود. در واقع تخصیص منابع جامعه از خارج از حدود و اختیارات اشخاص قرار گیرد و به مکانیزمها واگذار گردد.

ب) ایجاد تعادل در تقابل و توان چانهزنی اقشار ذینفع: برای مثال در روند گذشته اقتصادی کشور، قدرت تصمیمگیری شهرنشینان در مقابل روستائیان، مصرف کنندگان و توزیع کنندگان در مقابل تولیدکنندگان و واردکنندگان در مقابل صادرکنندگان بیشتر بوده است. اینجا تعادل در نقش این گروهها و سازماندهی مشارکت آنها در تصمیمات، میتواند زمینه حذف بسیاری از موارد رانت به نفع یک گروه و به زیان گروه دیگر را عملی سازد.

ج) جایگزین کردن مجوز: امتیاز یا سهمیه با روشهای مناسبتر، میتواند حذف و یا کاهش رانت را در برداشته باشد. برای مثال سهمیههای وارداتی را میتوان با تعرفه گمرکی جایگزین نمود که رانت موجود را به دولت منتقل کند. یا تعرفه گمرکی را با افزایش قیمت ارز جایگزین کرد که چنین فرآیندی نتایج مربوط به عدم کارایی اقتصادی تعرفه را در برنخواهد داشت.

۳) شفاف کردن مراحل انتقال و میزان رانت: در مواردی که امکان عملی حذف رانت وجود ندارد حداقل، تعیین اینکه چه مقدار رانت، به چه کسانی انتقال مییابد، بسیار مفید است و در نهایت جهتدار شدن اینگونه انتقالات



(مثلا به سمت بهره‌مندی محرومین جامعه) توسط قوای مجریه و مقننه را زمین‌سازی خواهند کرد. برای مثال اگر کسی موافقت اصولی یا سهمیه ارزی به قیمتی زیر قیمت واقعی دریافت میکند، حداقل حجم و میزان انتقال درآمد و ثروت به وی تعیین و همراه با سایر اطلاعات اعلام شود.

مهمترین عامل بازدارنده از رانتجویی همان اخلاقیات، ایدئولوژی و مسائل عقیدتی است و به موازات آن اقداماتی از قبیل کاهش مداخله مستقیم دولت در فعالیتهای اقتصادی و بیشتر شدن نقش ارشادی و نظارتی دولت در اقتصاد، حذف امتیازات خاص اعطاء شده به برخی افراد (عدم حذف در صورت وجود مسائل ارزشی و در مقابل نظارت بیشتر بر عملکرد آنها)، برقراری سیستم مالیاتی کارآمد و ایجاد واحدهای تنظیم مقررات مستقل میباشد، در بخش مخابرات نیز عینا بحث عدم تقارن اطلاعات، در اثر عدم استقلال سازمان تنظیم مقررات میتواند به وجود آید. علاوه بر آن چون زیرساختهای مخابراتی در انحصار شرکت اولیه (اپراتور دولتی) میباشد لذا این شرکت میتواند با روشهای مختلف از جمله تحمیل هزینههای تداخل شبکه‌های و ... رقابت را مختل سازد و حضور واحد تنظیم مقررات مستقل میتواند مانع پیدایش رانت شود و با تنظیم قوانین و مقررات مناسب از قبیل قوانین تداخل بین شبکه‌های، طیف فرکانس و ... شفافیت و عدم تبعیض را در بازار ایجاد کند.

### شروط رقابت کامل:

الف) بینهایت بودن تعداد تولیدکنندگان و مصرف کنندگان (ذره‌های بودن بازار)

ب) آزادی ورود به بازار و خروج از آن

ج) شفافیت اطلاعات. که در دوره اول نقض شرط الف و در دوره دوم نقض شرط ب علت رانت قلمداد شده است.

## فساد مالی و رانت خواری

فساد مالی مانند معاملات به دو عامل فروشنده و خریدار نیاز دارد. برای مثال، خریدار بخش خصوصی برای کسب امتیاز به فروشنده بخش دولتی رشوه می‌دهد. رشوه یا برای کسب امتیازی کاملاً قانونی - هر چند نادر - مانند دستیابی به ارز، مجوز واردات، اعتبارات مالی یا قراردادهای دولتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، یا امکاناتی در اختیار خریدار قرار می‌دهد که شایسته آن نیست، مانند چشم‌پوشی از یک قانون معتبر، فرار از پرداخت مالیات یا کسب مجوز یا انجام داد و ستد غیر قانونی؛ یا ممکن است به منظور ترغیب مقام‌های دولتی به آزار و تحقیق در امور تجاری رقبا پرداخت شود. وجه مشترک در همه این موارد، وجود شخصی با اختیار توزیع امتیازی نادر است که شیوه دیگری را غیر از تمایل رشوه برای گزینش افراد ذی‌نفع به کار نمی‌بندد.

خریداران و فروشندگان فاسد غالباً سیستم‌هایی به وجود آورده‌اند که باعث تحکیم و ثبات طرفین شده، نه تنها در پنهان کردن پرداخت رشوه و مدیریت وجوه غیر قانونی کارایی بسیار زیادی دارد، بلکه می‌تواند بر نوع خدمات و قراردادهای ارایه شده از سوی دولت نیز تأثیرگذار باشد.

گاهی تصمیم دولت برای حمایت از پروژه‌های عام‌المنفعه، اعطای بعضی امتیازها یا خصوصی سازی شرکت‌های دولتی، ارتباط بسیار نزدیکی با این سیستم فاسد دارد. از آنجا که فساد مالی به نفع دو طرف معامله است، هیچ یک انگیزه‌ای برای خاتمه یک جانبه روابط خود ندارد و هیچ راهی برای گشودن گره کور شبکه فساد به منظور یافتن مجرم واحد، وجود ندارد.

در شبکه فساد مالی، همه مسئولند، اگر چه برخی از سیستم‌های حقوقی بین ارتشا و اخاذی تمایز قایل می‌شوند. در مورد اول فردی از بخش خصوصی فعالانه در پی کسب امتیازی غیر قانونی یا امتیازی قانونی از راه

فاسد از مقام دولتی است و در مورد دوم مقام دولتی به ازای تحمیل نکردن هزینه یا عدم تعلیق امتیاز، از بخش خصوصی مبالغی مطالبه می‌کند. تمایز ارتشا و اخاذی در بسیاری از پروژه‌های بزرگ دولتی بی‌معناست. اخاذی با تلویح این که رشوه دهنده مسئولیتی ندارد، این برداشت غلط را القا می‌کند که فرد بی‌گناهی، ناگزیر به فساد مالی آلوده شده است.

قوانین جزایی برخی کشورها بین دو نوع فساد فعال و غیر فعال تمایز قائل است. فرد رشوه دهنده طرف فعال و مقام دولتی طرف غیر فعال معامله فساد تلقی می‌شود. اما این تمایز نیز توان تبیین شرایط متفاوتی را که فساد در آن رخ می‌دهد، ندارد (منی یاوز ۱۹۹۶)

هیچ معامله فاسدی سر نمی‌گیرد، مگر اینکه دو طرف معامله با آن موافق باشند و در مورد آن پنهان کاری کنند. با وجود این برخی شرکت‌های بین‌المللی از یک سو و مقام‌های عالی رتبه دولتی از سوی دیگر استدلال می‌کنند که ضرورت و مسئولیت‌ناپذیری، آنها را به مشارکت در فساد کشانده است.

### فساد کلان

پرداخت‌های فاسد برای دستیابی به قراردادهای بزرگ، امتیازهای عمده و خصوصی‌سازی شرکت‌ها عموماً به واحدهای تجاری بزرگ و مقام‌های عالی رتبه محدود می‌شود. هر چند کارمندان دون پایه نیز با دریافت رشوه به افشای برخی اطلاعات ترغیب می‌شوند و برخی واحدهای تجاری کوچک نیز برای دستیابی به قراردادهای روزمره رشوه می‌دهند، اما موارد بزرگ فساد در برگیرنده وجود کلانی است که می‌تواند بر بودجه و چشم‌انداز رشد کشور تأثیر بسزایی داشته باشد (مودی - استوارت ۱۹۹۴). این معاملات، در تیول مقام‌های عالی رتبه است که

غالباً به طور منفرد، یا به طور کنسرسیوم با شرکت‌های داخلی طرف قرارداد با شرکت‌های بزرگ چند ملیتی هستند. مودی - استوارت (۱۹۹۴) این فساد را فساد کلان یا فساد مقام‌های عالی رتبه نامیده است.

زمانی که دولت نقش خریدار یا پیمانکار را ایفا می‌کند، دلایل زیادی برای پرداخت رشوه به مقام‌ها وجود دارد. نخست این که شرکت‌ها رشوه می‌دهند تا در فهرست واجدان شرایط در مناقصه قرار گیرند. یا آن را محدود کنند. دوم این که گاهی رشوه به منظور دستیابی به اطلاعات محرمانه پرداخت می‌شود. سوم اینکه رشوه دهنده مسئولان را ترغیب می‌کند تا شرایط مناقصه را به گونه‌ای تغییر دهند که تنها شرکت فاسد در فهرست شرکت‌های واجد شرایط قرار گیرد. چهارم اینکه رشوه به منظور واگذاری نهایی قرارداد پرداخت می‌شود. و نهایت این که پس از واگذاری قرارداد به شرکت خاص، این شرکت به منظور چند برابر کردن قیمت‌ها یا تقلب در کیفیت‌ها رشوه می‌پردازد.

در رسوایی‌های مربوط خرید پیمانکاری، علاوه بر پروژه‌های عظیم عمرانی و کالاهای سرمایه‌ای، کالاهای مصرفی نیز موارد بسیار خوبی برای ارتشا محسوب می‌شود، زیرا پس از توزیع، حصول اطمینان از کیفیت و کمیت کالا و انطباق آن با تعهدات معامله‌گران، بسیار دشوار است. برای مصال، حساب‌برسان مالوای چندی پیش دریافتند نوشت‌افزاری به ارزش میلیون‌ها دلار که اصلاً وجود خارجی ندارد، از سوی صندوق مطبوعاتی دولت خریداری شده است. دولت کنیا نیز در خریدهای بی‌حساب دارو توسط وزارت بهداشت کشور، حدود ۱/۵ میلیون دلار متضرر شد.

خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی می‌تواند به بهبود عملکرد اقتصادی کشور کمک کند و از میزان فساد مالی بکاهد. با وجود این، فرآیند انتقال دارایی‌های دولتی به مالکان خصوصی فرصت‌های بسیار خوبی برای فساد و

سودجویی پدید می‌آورد. فروش یک شرکت دولتی یا نیمه دولتی بزرگ شبیه مناقصه یک پروژه زیربنایی بزرگ است. فساد می‌تواند به تضعیف کارآیی منطقی که توجیه اقتصادی خصوصی‌سازی مبتنی بر آن است، بینجامد. اگر شرکت‌ها با پرداخت رشوه، قدرت انحصاری فعالیت خصوصی شده را همچنان حفظ کنند، نتیجه خصوصی‌سازی صرفاً انتقال سود از دولت به مالکان جدید خواهد بود در این صورت احتمالاً خریداران این واحدها، بر کارمندان شرکت تازه خصوصی شده برای سهمیم بودن در مزایای انحصاری فشار وارد خواهند کرد. علاوه بر این فساد فراگیر گاهی موجب اخلال در کارآیی و کاهش شرایط رقابتی می‌شود. برای مثال، فساد فراگیر منجر به کاهش تعداد شرکت کنندگان در مناقصه یا مزایده - به نفع آنها که دارای روابط هستند و به ضرر نامزدهای شایسته‌تر - می‌شود..

### فساد وارداتی

فساد مالی تنها از سوی شرکت‌های چند ملیتی به درون اقتصاد کشورهای روبه توسعه منتقل نمی‌شود. همچنین این که ادعای رواج فرهنگ اعطای هدیه و خرید مسئولان در این کشورها باعث می‌شود تا شرکت‌های چند ملیتی حساسیت فرهنگی آنها را به چالش بکشد، چندان صحیح نیست.

صاحبان نظر در کشورهای روبه توسعه بر این باورند که نباید فرهنگ سنتی اعطای هدیه در این کشورها را زمینه‌ساز پدیده پرداخت رشوه به رهبری سیاسی دانست. آنها این شیوه برخورد با موضوع را بسیار توهین‌آمیز می‌دانند. برای مثال، تجربه بررسی وقایع تایلند نشان می‌دهد که مردم تفاوت بین هدیه‌های بجا و نابجا را دقیقاً نمی‌دانند و نمی‌توانند به سادگی از کنار پرداخت کلان سرمایه‌گذاران عمده به مقام‌ها و مسئولان سطح بالای کشور بگذرند (فونوگپیچت و پیریارانگسن ۱۹۹۴)



شرکت‌های چند ملیتی در توجیه پرداخت رشوه به مقام‌ها و مسئولان کشورها گاهی دلیل می‌آورند که قوانین مبارزه با ارتشا تنها روی کاغذ معتبر است و هیچ ضمانت اجرایی ندارد و اگر روزی اجرا شود، تنها در مورد مخالفان سیاسی نظام حاکم قابل اجرا خواهد بود. مدیران این شرکت‌ها می‌پرسند، چرا باید بیش از شرکت‌های داخلی پای بند به قانون و اصول اخلاقی باشند حتی مسئولان پرداخت کمک‌های مالی بین‌المللی و سازمان‌های پرداخت وام نیز معتقدند که بدون چشم‌پوشی از موارد ارتکاب فساد مالی کاری از پیش نخواهد رفت.

ضعف نهادهای بخش دولتی یکی از دلایل رواج پدیده رانت جویی است و شیوع فساد مالی در جامعه نشانه ضعف عملکرد دولت است. دولت‌های ضعیف گاهی در یک موقعیت متناقض قرار می‌گیرند و افزایش منابع مالی باعث تزلزل حاکمیت سیاسی آنها می‌شود. وقتی که دولت ضعیف باشد، کسی به فکر کنترل اهرم‌های قدرت نخواهد بود. به محض اینکه چنین دولتی به منابع عظیم کمک‌های خارجی یا منابع و دخایر معدنی جدید دست پیدا کرد، سرو کله شخصیت‌های سیاسی جدید پیدا می‌شود که سهم خود را طلب می‌کنند، یا به هر نحو ممکن اداره کامل حکومت را در دست می‌گیرند. مگر آنکه سهمی برای آنها در نظر گرفته شود. در چنین شرایط ناخوشایندی، افزایش میزان ثروت کشور بسیار مخرب خواهد بود و به منابع و کمک‌های مالی خارجی به میزان توانائی و استفاده از امکانات و منابع جدید برای تأمین منافع کامل جامعه بستگی دارد، نه میزان بهره‌برداری شخصی طبقه حاکم (کولیج ورز - آکرمن ۱۹۹۷).

شرکت‌های چند ملیتی بر خلاف سازمان‌های بین‌المللی اعطا کننده وام و کمک‌های نقدی، توجهی به تأثیر دراز مدت رفتار خود بر ساختار سیاسی و اجتماعی کشوری که در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند، ندارند. هنوز هم بسیاری از صاحبان مشاغل و مشاوران آنها به دلیل بدگمانی نسبت به وضعیت موجود از کار کناره‌گیری می‌کنند. در فضای بین‌المللی نیز که ابزار مؤثری برای کنترل رفتارهای ناپسند وجود ندارد. شرکت‌های بزرگ

باید بیتر از کشورهای توسعه یافته - که از شبکه‌های کارآمد نظارت و نظام‌های سیاسی مسئولیت‌پذیر و پاسخگو برخوردار هستند - به فکر رفتار خود باشند. در بیشتر کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، شرکت‌ها بدون نگرانی از قدرت انحصارگران، مسایل زیست محیطی و رهبری نادرست فعالیت‌های اقتصادی، به فکر سود خود هستند. زیرا نهادهای دیگری به این مسایل رسیدگی می‌کنند.

مسئله مهمی که شرکت‌های فعال در کشورهای آلوده به فساد با آن روبه هستند، این است که باید بین دو گزینه امتناع توأم با سکوت یا ارایه گزارش فساد مالی به مسئولان محلی و مقام‌های مربوط در سرح جهان، یکی را انتخاب کنند و احتمالاً سکوت بدترین انتخاب است، زیرا شرکت نه تنها کار خود را از دست می‌دهد بلکه حرکتی هم برای اصلاح امور انجام نداده است. توجه به نگرانی نسبت به رواج فساد مالی این حسن را دارد که با اعلام موارد فساد، توجه مردم و مسئولان دیگر کشورها به موضوع فساد جلب شده، باعث اصلاح امور خواهد شد. شرکت‌هایی که ادعا می‌کنند از پدیده فساد مالی نفرت دارند اما از طرفی، وجود این پدیده مذموم را پذیرفته‌اند، نمی‌توانند تا ابد به این شیوه ادامه دهند. سرانجام فشار افکار عمومی جهان، هم بر مسئولان آلوده دولتی و هم بر شرکت‌هایی که در پرداخت رشوه دست دارند، تأثیر خواهد گذاشت.

#### ● نقش جامعه بین الملل در مقابله با فساد مالی

یکی از وظایف سازمان‌های بین‌المللی اعطا کننده وام و کمک‌های مالی در دوران پس از جنگ سرد این بوده است که روز به روز بر توجه جهانیان نسبت به موضوع مبارزه با پدیده فساد مالی بیفزایند. با پایان جنگ سرد، توازن نیروها در سطح جهانی یافته است و دیگر نیازی به حمایت از رژیم‌های فاسد به دلیل مسایل امنیت ملی

احساس نمی‌شود. رواج فساد فراگیر، جرایم و جنایت‌های سازمان یافته در بسیاری از کشورهای جهان باعث شده است که عذری برای نادیده گرفتن مسأله وجود نداشته باشد.

نتیجه گیری:

(۱) هنگامی که وجوه سازمان‌های بین‌المللی - وام یا کمک‌های بلاعوض - در خطر باشد، این سازمان‌ها نسبت به استفاده بهینه از منابع مالی خود مسئول هستند.

(۲) سازمان‌های اعطا کننده کمک‌های مالی می‌توانند در زمینه اصلاح نظام اداری و بهبود سیستم‌های مدیریت مالی و بودجه به طور مستقیم فعال باشند. البته راه‌های دیگر اصلاح و توسعه عملکرد اقتصادی یا اجرای سیاست‌های مردم سالارانه ممکن است به ایجاد انواع جدید فساد مالی و انجام معاملات سودجویانه منجر شود. اصلاح طلبان باید این موارد را به دقت کنترل کنند.

(۳) تلاش‌های جهانی باید بر مبنای کاهش تمایل شرکت‌های چند ملیتی به پرداخت رشوه و ترغیب آنها و کشورهای توسعه یافته به کمک در اجرای پروژه‌های اصلاحی کشورهای روبه توسعه باشد. شاید همکاری بین صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و برنامه عمران ملل متحد از یک سو و شرکت‌های چند ملیتی از سوی دیگر در این زمینه گره‌گشا باشد.

(۴) در جایی که ردیابی پول‌های غیر قانونی امکان پذیر نباشد، اجرای برنامه‌های بین‌المللی با هدف کنترل و جلوگیری از انتقال آنها می‌تواند کمک بزرگی به حساب آید. همکاری‌های بین‌المللی دیگر در خصوص کنترل جرایم بین‌المللی نیز می‌تواند در جلوگیری از ارتکاب فساد مالی بسیار مؤثر باشد.

منابع و مأخذ:

۱- تقریرات مالیه عمومی بازشناسی عارضه - فساد مالی - ماهیت - گونه‌ها - پیامدها و آموزه‌های تجربی .

دانشگاه شهید بهشتی . ۱۳۸۱

۲ - ماهنامه مخابرات و ارتباطات . محمد رضا میرزایی نژاد / ۱۳۸۳ .

۳ - تقریرات مبانی علم اقتصاد . ابوالفضل عبدالله زاده . کنفرانس رانت خواری / ۱۳۸۱ .

۴ - فساد مالی و توسعه . مجله تخصصی تازه های اقتصاد . شماره ۸۶ . ترجمه محمد حسین احسان فر . گری

دانیال کافمن